

مِصْبَا الشَّيْعَةِ وَفَتْحُ الْحَقِيقَةِ

دَرْ تَرْكِيهٔ نَفْسِ وَجْهَاتِ وَمَعَارِفِ الْهَمَى

مَكْتُوبٌ بِهِ

أَهْلُ شَيْخِ حَضْرَةِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ

تَنْجِيهِ وَشَرْحُ

حَسَنِ مِصْطَفَوِي

أَنْجَمِ إِسْلَامِي حَكَمَتِ وَفَلَسَفَةِ إِيرَانَ

تَهْرَانَ ۱۳۶۰

فهرست مطالب

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
مقدمه مترجم	پنج	باب بیست و پنجم در عبادت	۱۰۹
باب اول در ظهور مراتب مکنونات قلب	۴	باب بیست و ششم در تفکر	۱۱۳
باب دوم در احکام و محمولات قلب	۹	باب بیست و هفتم در سکوت	۱۱۷
باب سوم در حفظ و رعایت قلب	۱۳	باب بیست و هشتم در راحتی	۱۲۲
باب چهارم در نیت	۱۸	باب بیست و نهم در قناعت	۱۲۶
باب پنجم در ذکر	۲۱	باب سیام در حرص	۱۲۹
باب ششم در شکر	۲۶	باب سی و یکم در زهد	۱۳۴
باب هفتم در لباس	۳۰	باب سی و دوم در صفت دنیا	۱۳۸
باب هشتم در مساو	۳۵	باب سی و سوم در ورع	۱۴۱
باب نهم در بیة الخلا رقتن	۳۹	باب سی و چهارم در عبرت	۱۴۵
باب دهم در طهارت	۴۲	باب سی و پنجم در تکلف	۱۴۸
باب یازدهم در خارج شدن از منزل	۴۶	باب سی و ششم در غرور	۱۵۱
باب دوازدهم در دخول مسجد	۴۹	باب سی و هفتم در صفت منافق	۱۵۵
باب سیزدهم در شروع کردن به نماز	۵۳	باب سی و هشتم در عقل و هوی	۱۵۹
باب چهاردهم در قرائت قرآن	۵۷	باب سی و نهم در وسوسه	۱۶۲
باب پانزدهم در رکوع	۶۱	باب چهل و یکم در عجب و خودبینی	۱۶۷
باب شانزدهم در سجود	۶۴	باب چهل و یکم در خوردن	۱۷۰
باب هفدهم در تشهد	۶۸	باب چهل و دوم در پوشیدن چشم	۱۷۳
باب هیجدهم در اسلام	۷۲	باب چهل و سوم در راه رفتن	۱۷۷
باب نوزدهم در دعا	۷۶	باب چهل و چهارم در خواب	۱۸۱
باب بیستم در صوم	۸۲	باب چهل و پنجم در حسن معاشرت	۱۸۷
باب بیست و یکم در حج	۸۶	باب چهل و ششم در کلام	۱۹۰
باب بیست و دوم در زکوة	۹۷	باب چهل و هفتم در مدح و مذمت کردن	۱۹۵
باب بیست و سوم در سلامتی	۱۰۰	باب چهل و هشتم در جدال	۱۹۹
باب بیست و چهارم در عزلت	۱۰۵	باب چهل و نهم در غیبت	۲۰۳

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
باب پنجاهم در ریا	۲۰۸	باب هفتاد و سوم در وصیت	۳۱۹
باب پنجاه و یکم در حسد	۲۱۱	باب هفتاد و چهارم در صدق	۳۲۴
باب پنجاه و دوم در طمع	۲۱۵	باب هفتاد و پنجم در توکل	۳۲۹
باب پنجاه و سوم در سخاوت	۲۱۹	باب هفتاد و ششم در اخلاص	۳۳۵
باب پنجاه و چهارم در گرفتن و دادن چیزی	۲۲۵	باب هفتاد و هفتم در شناخت نادانی	۳۴۰
باب پنجاه و پنجم در برادری	۲۲۹	باب هفتاد و هشتم در تجلیل برادران دینی	۳۴۶
باب پنجاه و ششم در مشورت کردن	۲۳۳	باب هفتاد و نهم در توبه کردن	۳۵۱
باب پنجاه و هفتم در حلم	۲۳۷	باب هشتادم در مجاهدت و ریاضت	۳۵۶
باب پنجاه و هشتم در تواضع	۲۴۱	باب هشتاد و یکم در فساد	۳۶۱
باب پنجاه و نهم در اقتدا	۲۴۶	باب هشتاد و دوم در تقوی	۳۶۶
باب شصتم در عفو	۲۵۰	باب هشتاد و سوم در یاد کردن مرگ	۳۷۱
باب شصت و یکم در حسن خلق	۲۵۴	باب هشتاد و چهارم در حساب	۳۷۶
باب شصت و دوم در علم	۲۵۷	باب هشتاد و پنجم در حسن ظن	۳۸۰
باب شصت و سوم در فتوی دادن	۲۶۴	باب هشتاد و ششم در تفویض	۳۸۵
باب شصت و چهارم در امر به		باب هشتاد و هفتم در یقین	۳۸۹
معروف و نهی از منکر	۲۶۹	باب هشتاد و هشتم در خوف و رجا	۳۹۸
باب شصت و پنجم در آفت علما	۲۷۵	باب هشتاد و نهم در رضا	۴۰۵
باب شصت و ششم در آفت قاریان	۲۸۱	باب نودم در بلا	۴۰۸
باب شصت و هفتم در بیان حق و باطل	۲۸۶	باب نود و یکم در صبر	۴۱۴
باب شصت و هشتم در شناسائی		باب نود و دوم در حزن	۴۱۹
پیامبران الهی	۲۹۱	باب نود و سوم در حیا	۴۲۵
باب شصت و نهم در شناسائی		باب نود و چهارم در ادعا نمودن	۴۳۰
حضرات ائمه (ع)	۲۹۵	باب نود و پنجم در معرفت	۴۳۳
باب هفتادم در شناختن اصحاب		باب نود و ششم در محبت پروردگار متعال	۴۳۶
رسول خدا (ص)	۳۰۴	باب نود و هفتم در محبت در راه خدا	۴۴۱
باب هفتاد و یکم در احترام کردن به مؤمنین	۳۰۸	باب نود و هشتم در شوق	۴۴۵
باب هفتاد و دوم در نیکوئی به پدر و مادر	۳۱۱	باب نود و نهم در حکمت	۴۴۹
باب هفتاد و سوم (مکرر) در موعظت	۳۱۴	باب صدم در حقیقت بندگی	۴۵۳

با تأیید و توجه پروردگار مهربان

در مقدمه کتاب مصباح الشریعة که متن آن به وسیله اینجانب منتشر شده است، به طور تفصیل و تحقیق از خصوصیات آن کتاب شریف بحث و بیان گردیده است، و فعلاً فرصت برای تحقیق و تتبع بیشتری نداریم.

در اینجا اضافه می‌کنم که: این کتاب به طور مسلم از مراکز وحی و الهام گرفته شده، و به وسیله شخصیتی که ارتباط با عالم غیب داشته است تألیف شده است.

در این کتاب دقائق معارف و اسرار حقایق و لطائف اخلاقیات و مراحل سیر و سلوك و خصوصیات مراتب ایمان، به اندازه‌ای دقیق و تحقیقی و عمیق ذکر شده است که کمترین نقطه ضعف و انحراف و سستی در خلال جملات و مطالب آن دیده نمی‌شود، و آنچه مسلم است این کتاب در مرتبه فوق کتب مؤلفه متداوله علماء و محققین و عرفاء است.

روی این نظر با تأیید پروردگار متعال و توفیق او خواستم ترجمه و توضیحی از این کتاب، به اندازه فهم محدود و ضعیف خود، بیان کنم، تا برادران عزیز که علاقه‌مند به این مطالب بوده، و در صراط سیر و سلوك و تکمیل نفس و درک فیوضات الهی هستند، از حقائق و معارف و لطائف این کتاب شریف استفاده کنند. و چون اصل کتاب و همچنین ترجمه و توضیح آن به اختصار و اجمال نوشته شده است، از مطالعه کنندگان گرامی تقاضا می‌شود که در مطالعه آن کمال دقت را داشته و هر باب و فصلی را با نهایت توجه و دقت مطالعه نمایند.

ضمناً متن کتاب بر اساس تصحیح سابق تنظیم شده است، و چون دو نسخه خطی دیگر و یک نسخه شرح لاهیجانی که باهمت بلند دوست عزیز و دانشمند معظم جناب آقای محدث‌ارموی (وفقه‌الله تعالی لمرضاته)، مطبوع شده است، در اختیار ما بود، در بعضی از موارد استدراک شده، و تغییرات مختصری حاصل شده است.

پس این مجموعه گذشته از ترجمه و توضیح، از لحاظ تصحیح و مقابله متن کتاب نیز بر نسخه سابق در مواردی امتیاز پیدا می‌کند، و ما در مقام اختلاف نسخ آنچه را که مناسب‌تر است متن قرار داده، و عبارات و کلمات دیگر را در میان پُرانتز ذکر نمودیم. و هرباب را به دو یا سه قسمت تقسیم کرده، و بعد از ذکر متن، ترجمه آن را توأم با مختصر توضیح نوشته، و سپس نتیجه دقیق و حاصل آن مطالب را به بیان ساده یادآور شدیم. ضمناً معلوم شود که تألیف این کتاب شریف در ایام مسافرت‌های اینجانب به زیارت اعتاب مقدسه و بدون وسائل عادی صورت گرفته است، و از این لحاظ از نقل روایات وارده و مطالب منقول دیگر معذور بودم، و فقط برای استشهاد و شیرین بودن، اشعار مناسبی بعداً آورده شد. امید است از این مجموعه بهره معنوی و اخروی برای مطالعه کنندگان عزیز و برای این بنده محجوب حاصل گردد.

و ما توفیقی الا بالله العزیز المتعال علیه توکلت والیه انیب

طهران ۱۳۹۸ هجری

حسن مصطفوی

تقریظ

از غلامرضا قدسی

خواهی نگری روشن سیمای شریعت را
باید که به دست آری (مصباح شریعت) را
آویزه گوش جان کن گوهر لفظش را
وز جلوۀ معنائش دریاب حقیقت را
هر فصل بدیع آن گنجیست معانی را
کز لطف بیان بخشد بس رشد، قریحت را
هر صفحه ز مفهومش بحری است پراز مرجان
برگیر از این دریا مرجان فضیلت را
هر سطر وی انگارد بر صفحه دل نقشی
نقشی همه روشنگر ارباب طریقت را
هر جمله زیبایش نوری است که بزداید
ز آئینه دل زنگ اوهام فضیحت را
هر حرف دل آویزش پندی است خردآموز
از دست مده ای دوست این گنج نصیحت را
از خواندن آن شاید بر نفس ظفر یابی
کین نفس بداندیش است سرمایه رذیلت را
هنگام حقیقت شد در راه طریقت شد
هر کس که ز جان آموخت (مصباح شریعت) را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن

الحمد لله الذي نور قلوب العارفين بذكره ، و قدس ارواحهم بسره ، و
نزه أفئدتهم لفكره (بفكره) ، و شرح صدورهم بنوره ، و أنطقهم بشناؤه و
شكره ، و شغلهم بخدمته ، و وفقهم لطاعته ، و استعبدتهم بالعبادة على مشاهدته ،
و دعاهم الى رحمته و صلى الله على محمد امام المتقين و قائد الموحدين و مونس
المقربين ، و على آله المنتجبين الابرار الاخيار ، و سلم تسليما كثيرا .

ترجمه

حمد و ستایش مخصوص پروردگاریست که قلوب عارفین را به واسطه
ذکر و یاد خود منور و روشن فرموده است ، و ارواح آنان را به توجه باطنی
و فیض معنوی خود تقدیس و پاک کرده است ، و باطن دلهای آنان را از تیرگیها
تنزیه و تطهیر نموده است تا توفیق تفکر در باره او را پیدا کنند ، و سینه های
آنان را به نور خود منشرح و باز کرده است ، و زبان آنان را به ثناء و شکر
خود گویا فرموده است ، و پیوسته آنان را به خدمت و بندگی خود مشغول
ساخته است ، و آنان را به طاعت خود موفق فرموده است ، و آنان را به
بندگی دعوت کرده است که به وسیله عبادت به مقام مشاهده انوار جلال و

جمال الهی نائل گردند، و آنان را به سوی رحمت خود خوانده است. و صلوات و رحمت پروردگار بر خاتم النبیین محمد (ص) باد که پیشوای پرهیزگاران و رهبر اهل توحید و انیس مقربین است، و بر آل اطهار او باد که پاکان و نیکوکاران و برگزیدگان از مردم هستند، خداوند آنان را سلام و درود فراوان برساند.

شرح

به طوری که در این خطبه شریفه می گوید: تنها وسیله نورانیت قلوب ذکر و یاد خداوند متعال است، و نورانیت قلوب وسیله انشراح صدور است، و هنگامی قلوب منشرح و منور گردد که تاریکی های اعمال و اخلاق سوء از زوایای دل برطرف و زائل گردد، تا اعضاء و جوارح برای طاعت و عبادت پروردگار متعال مهیا شده و آثار طهارت و نورانیت باطن در ظواهر هویدا گشته و جبروت سلطان حق در پرتو قلوب افکند.

متن

اما بعد: فهذا کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، من کلام الامام - الحاذق و فیاض الحقایق، جعفر بن محمد الصادق، علی آبائه و علیه الصلوة والسلام، و هو محبوب علی مائة باب.

ترجمه

بعد از حمد و صلوات و سلام: این کتاب (مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) است، از سخنان امام حاذق و بخشاینده و آموزنده حقایق، جعفر بن محمد صادق، که درود پروردگار و مؤمنین بر پدران بزرگوار و بر حضرت او باد، و این کتاب در صد باب مرتب گشته است.

شرح

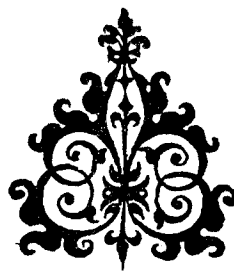
شرح و تفصیل خصوصیات این کتاب و انتساب آن را به حضرت امام جعفر بن محمد صادق (ع) در مقدمه آن که در سال (۱۳۷۸ هـ) در طهران طبع و منتشر شده است، ذکر نموده، و

ثابت کردیم که این کتاب شریف ، لفظ و عبارات آن حضرت نیست ، و بلکه بهترین و پرارزشتترین مجموعه‌ایست که یکی از بزرگان برجسته شیعه، آداب و معارف و اخلاق و سنن مذهب شیعه جعفری را در مقابل مؤلفات مذاهب دیگر تألیف و تدوین فرموده ، و به تناسب این مرام آن را به حضرت صادق (ع) که یگانه مروج و مبین احکام و آداب این مذهب است نسبت داده است و حقیقت این نسبت از لحاظ معنی و حقیقت است نه لفظ و عبارت .

احتمال قوی دارد که مؤلف بزرگوار این کتاب شریف ، تمام این مطالب را از روایات و اخبار منقوله از حضرت صادق (ع) استنباط و استنتاج کرده، و مضامین و معانی آنها را به این صورت ترتیب و تنظیم کرده است.

به هر صورت، این کتاب شریف از بهترین و جامعترین کتب شیعه است که در آداب و حکم و معارف کتابی به این اختصار که جامع دقایق و لطایف اخلاق بوده، و در عین حال در نهایت اتقان و اعتبار تألیف شده باشد، به دست ما نرسیده است.

اینست که سید جلیل و علامه زاهد علی بن طاووس (رضی الله عنه) می‌فرماید: لازمست که شخص مسافر این کتاب شریف را با خود همراه بردارد، زیرا آن بهترین کتاب جامع و لطیفی است که انسان را در راه سلوک به خدا کمک کرده ، و اسرار و حقایق آئین مقدس اسلام را تعلیم می‌دهد.



الباب الاول - فى البيان^(١)

متن

(فى بيان نجوى العارفين)

قال الصادق (ع) نجوى العارفين تدور على ثلاثة اصول: الخوف والرجاء والحب. فالخوف فرع العلم والرجاء فرع اليقين والحب فرع المعرفة. فدليل الخوف الهرب، ودليل الرجاء الطلب، ودليل الحب ايثار المحبوب على ماسواه. فاذا تحقق العلم فى الصدر خاف، و اذا صح الخوف هرب، و اذا هرب نجى. و اذا اشرق نور اليقين فى القلب شاهد الفضل، و اذا تمكن من رؤية الفضل رجبى، و اذا وجد حلاوة الرجاء طلب، و اذا وفق للطلب وجد. و اذا تجلى ضياء المعرفة فى الفؤاد هاج ريح المحبة، و اذا هاج ريح المحبة واستأنس (استأنس) فى ظلال المحبوب (المحبة) آثر. (وآثر) المحبوب على ماسواه و باشر او اوامره و اجتنب نواهيه واختارهما على كل شىء غيرهما، و اذا استقام على بساط الانس بالمحبوب مع أداء أوامره و اجتناب نواهيه وصل الى روح المناجاة والقرب.

(١) نجوته و ناجيته اى ساررته، و انتجوا و تناجوا اى تساروا و انتجاه اى خصه بمناجاته والاسم النجوى. و البيان ما يتبين به الشىء من الدلالة وغيرها، و بان الشىء وتبين اى اتضح.